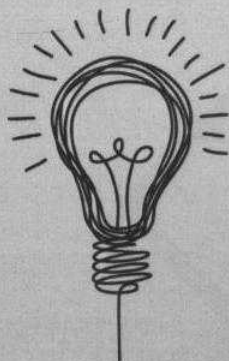


۱۴۵۷۲۸۷

به نام خدا

هوش و استعداد

پنجم دبستان



باهوش باشیم



همیشه رشد کنیم



درجانی، مرتضی، ۱۳۵۵-	سرنام
هوش و استعداد پنجم دبستان.	عنوان و نام پدیدآور
تهران: ساد، ۱۳۹۵.	مشخصات نشر
۱۱۲ص: مصور (رنگی)، جدول (رنگی).	مشخصات ظاهری
باهوش باشیم.	فروست
۹۷۸ - ۶۰۰ - ۷۶۹۰ - ۱۵ - ۴	شابک
فیپای مختصر.	وضعیت فهرست نویسی
فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.	یادداشت
۴۴۰۴۳۷۶	شماره کتابشناسی ملی

هوش و استعداد پنجم دبستان	نام کتاب:
انتشارات ساد	ناشر:
دکتر مرتضی درجانی	مؤلف:
معمربه مصطفوی - شیرین شوشتری - راضیه شیخ انصاری	دستیاران تألیف:
کوسامه حبیب آتانی	ویراستار علمی:
مهرداد مهرجه	صفحه آرای و گرافیک:
مسعود مهرجه	طراح جلد:
آبان	چاپ و لیتوگرافی:
جلد ۱۰۰۰	شمارگان:
اول - ۱۳۹۵	نوبت چاپ:
۱۷۰۰۰ تومان	بهاء:



بچه‌های عزیز:

در همه‌ی شماها کم و بیش هوش وجود داره. هوشی که انواع مختلف داره و اگر در محیطی پر بار قرار بگیره، حتا شکوفا میشه و شما میشین به آدم باهوش و زیل این روزا دیگه تصور نمیشه هوش کاملاً ارثیه، بلکه تاثیر محیط در شکل‌گیری و بروز آن را دیگه همه میدونن.

حواسمون باشه که توجه من فقط به یه زمینه از هوش مثلاً «هوش و استعداد ریاضی» معطوف نشه، آخه هنر، کمال، گیتیم هوش انواع مختلف داره و باید کاری کنیم در همه‌ی زمینه‌ها هوشمون بیاد بالا.

بچه‌ها الان میخوایم به کسی جدی‌تر بشیم. هوش رو جدی جدی تعریف کنیم. «هوش مجموعه‌ای از استعدادها و توانمندی‌های ما چقدر در هر انسان است که می‌تواند در همراهی با محیط بروز نماید و شکوفا شود.»

چقدر جدی شدیم! بیخیال!

بالاخره از اونجایی که هوش خیلی خیلی چیز خوبه و داشتن اون میتونه اعتماد به نفس شمارو بالا بیره ما در انتشارات ساد با تهیه‌ی این کتاب خیلی سعی کردیم زمینه رو برای بروز و پرورش هوش و استعداد شما دانش آموزای عزیز فراهم کنیم.

امید است که باهوش باشیم.

در نزدیکی یک جنگل سبز شیر زورمندی منزل گرفته بود. شیر ظالم هر روز گوشه‌ای کین می‌کرد و یکی از حیوانات را می‌گرفت و می‌خورد. چون هیچکدام از حیوانات زورش به او نمی‌رسید نمی‌توانستند کاری بکنند و زندگی همه دچار تلخی و ناراحتی شده بود. در میان خرگوش‌های جنگل یک خرگوش باهوش برای علاج ترس و ناراحتی حیوانات فکری کرد. همه حیوانات همراه خرگوش باهوش دم منزل شیر رفتند و خرگوش باهوش با شیر صحبت کرد. قرار شد حیوانات هر روز یکی را انتخاب کرده و برای غلامی شیر بفرستند، به شرطی که شیر حیوانات را بی‌خبر شکار نکنند.

بعد از آن هر روز یک حیوان برای شیر انتخاب می‌شد. تا اینکه نوبت به خرگوش‌ها رسید و قرعه به نام برادر خرگوش باهوش افتاد. خرگوش باهوش باز هم نقشه‌ای کشید و بار دیگر از حیوانات خواست به او اعتماد کنند.

خرگوش باهوش دو ساعت دیرتر از قرار، سر روز، تنها به منزل شیر رفت. وقتی به آنجا رسید با حالت گریان به شیر گفت که در بین راه یک شیر غریبه پیدا شده و خرگوشی را که برای خوراک شیر فرستاده بودند را از چنگش درآورده و گفته اینجا شکارگاه من است و از من بزرگ‌تر کسی نیست. شیر گرسنه که از تاخیر افتادن غذایش اوقاتش تلخ شده بود از اینکه در جنگلی رقیب پیدا کرده بسیار عصبانی شد و از خرگوش خواست شیر غریبه را به او نشان دهد.

خرگوش از جلو و شیر از عقب دویدند تا از جنگل خارج شدند و به چاه آب بزرگی رسیدند. خرگوش باهوش چاه را نشان داد و گفت: «دشمن اینجا است» و برای اینکه شیر را بیش‌تر سر غیرت آورد گفت: «قربان قدری احتیاط کنید چون او درست هیکلش مثل شماست و بقدر شما زور دارد.» شیر غضبناک لب چاه ایستاد. خرگوش باهوش هم دوید و میان دو دست شیر ایستاد و عکس خودشان را که در آب افتاده بود نشان داد و گفت: این همان شیر بیگانه است و این هم خرگوشی که از من گرفته.»

شیر خود را برای از بین بردن رقیب و دشمنش در آب انداخت و غرق شد. خرگوش باهوش به سلامت بازگشت و حیوانات شادی کردند و همه دانستند که: «در بسیاری از کارها، نیروی تدبیر و هوش، بیش از زور و شجاعت است.»

فهرست

۸ - ۳۱

فصل اول : هوش کلامی



۳۲ - ۵۸

فصل دوم : هوش ریاضی



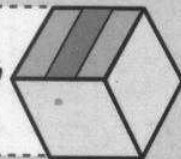
۵۹ - ۷۲

فصل سوم : هوش استدلالی



۷۳ - ۱۱۲

فصل چهارم : هوش تجسمی



باهوش باشیم